

ملک الشعراى بهار

استاد دانشگاه

لنین بزرگ

ولادیمیر ایلیچ اولیانو لنین در ۲۳ آوریل ۱۸۷۰ در شهر سیمبر
واقع در ساحل ولگا متولد شد و در ۲۱ ژانویه ۱۹۲۴ در قصبه گرکی از محال
مسکو درگذشته است .

این مرد بوده که در ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ (تاریخ قدیم) روز بزرگ
تاریخی ملت روس بموضع سوسیال انقلاب کبیر سوسیالیستی معرفی گردید و دنیای
قدیم را با این اقدام شگرف خود یکباره تکان داد .

لنین که حقا " تاریخ وی را بلقب " بزرگ " ستوده است یکی
از آن مردان بزرگ جهانی است که بندرت در دنیا پیدا شده مصدر کارهای
شگرف و بزرگی گشته خطر سیر تاریخ بشری را با حرکت و اراده خویش تغییر
می دهند .

پدر لنین ایلیانیکلائویچ از مردم هشتراخان و شخصی دانشمند
بود و عمر خود را در خدمات فرهنگی و تدریس و بازرسی مدارس می گذرانده
است .

لنین با آن سربزرگ و چشمان نافذ از باهوشترین کودکان دوره خود
محسوب میشد و در سن پنجسالگی خواندن و نوشتن را آموخته بود و بعد از آن
وارد مدرسه متوسطه شهر سیمبرسک شد و با زبانهای لاتینی و یونانی و آلمانی
و فرانسه آشنا گردید و در عنفوان جوانی میان دهقانان در نواحی فلاحتی

قازان و سیمبرسک و سامارازندگی میکرد و از نزدیک وضع فلاکتبار کشاورزان بدبخت روسیه را دیده به میزان ظلم و ستم و در عین حال بیحالی و بی لیاقتی ارباب ها و خداوندان اراضی وسیع روسیه بدرستی پی برد .

سال ۱۸۸۷ در زندگی لنین تحول عظیمی پدیدار گشت و وی طریق انقلاب پیش گرفت . در آغاز این سال خانواده اولیانوف دچار مصیبت عظیمی گشت . الکساندر اولیانوف برادر ارشد لنین بجرم شرکت در توطئه برضد حیات تزار الکساندر سوم بازداشت و بدار کشیده شد . مگر برادر در تصمیم لنین نقش بزرگی بازی کرد . در سال ۱۸۸۷ در سن هفده سالگی وارد دانشکده حقوق شهر قازان گردید و چون افکار انقلابی و سرکشی برضد فساد در او دیده شد او را از آن مدرسه اخراج کردند و بیکی از قصبات قازان تبعید نمودند .

اینک لنین مردیست هفده و هجده ساله که لذت مقاومت آدمی را در برابر زور و مزه طغیان شخص آزاد را در مقابل دولت جابر بخوبی دریافته است ، و ناگزیر چنین جوانی بسوی هدف و سرنوشت بزرگ خود شتابان است و لنین از این تاریخ با مراکز انقلابی ارتباط پیدا کرد و به مطالعه مقالات و رسالات و کتب فنی انقلابی پرداخت و یگانه معالجه درد بشریت را در پیروی از اصول " مارکسیزم " تشخیص داد ، و بخواندن کتب و تالیفات کارل مارکس و انگلس و پلخانف مشغول گردید و با مارکسیست های معروف آشنا و داخل این حزب شد و در مبارزات سوسیالیست ها برضد جمعیت پوپولیست ها که در روسیه نفوذ زیادی داشته و در همان حال خادم منافع بورژوازی بودند

شرکت جست .

در سال ۱۸۸۹ فدو سیف رهبر سوسیالیست ها در روسیه توقیف گردید و لنین بشهر سامارا رفته بمطالعه پرداخت و در ۱۸۹۰ موفق شد که در ظرف یکسال بطورداوطلب امتحان نهائی دانشکده حقوق رادرشهر پترزبورگ بدهد وشهادتنامه دریافت دارد .

بعد ازین لنین درشهر سامارا وکیل مدافع بودوازدهقانان و کارگران که غالبا " موکلین وی بودند در محاکم حمایت مینمود . بعد از دو سال در ۱۸۹۳ به پترزبورگ رفت و در ۱۸۹۴ اثر مهم خود را بنام " دوستان حقیقی ملت " انتشار داد و در آن کتاب پوپولیست ها را سخت انتقاد کرد و حقیقت آن جمعیت را فاش نمود .

لنین در آوریل ۱۸۹۵ از روسیه با اروپا مسافرت جست و در آنجا با پلخانف نویسنده مارکسیزم ملاقات کرد و بهمراهی این شخص بمبارزات اجتماعی و سیاسی خود ادامه داد و با توافق هم روزنامه ، کارگران را منتشر کردند ولی توقف او در اروپا طولی نکشید و در همان سال بسوی سیه بازگشته حزب سوسیال دموکرات را با سازمان جدید و اصول صحیح توسعه داده و اتحادیه های متفرق کارگران را یکی کرده مجمع بزرگی بنام " اتحادیه مبارزه برای نجات دسته کارگر " بوجود آورد که دارای سازمان صحیح و انضباط کامل بود .

این اتحادیه مراکزی در کارخانجات برای اجتماع و مبارزه در راه مارکسیزم بوجود آورد و با سایر شهرهای مهم روسیه بتدریج مربوط شده

روزنامه بنام " درد کارگر " منتشر مینمود .

اما طولی نکشید که دولت " اتحادیه مبارزه " را بهم زد و اعضای آن را که از آنجمله لنین بود دستگیر کردند و مدت چهار ده ماه لنین در زندان بود و در آنجا هم از فعالیت و رهبری کارگران دست برنمیداشت و چندین رساله نیز در زندان نوشت .

لنین با شیر در خلال سطور کتابی که میخواند کتب خود را تالیف میکرد برای اینکه مورد تفتیش قرار نگیرد (زیرا شیر در صفحه دیده نمی شود ولی بعد که آن صفحه را گرم کنند شیر دارای رنگ خواهد شد) و مهمترین اثر او بنام " توسعه سرمایه داری در روسیه " بدین طرز در زندان تالیف شده است .

در ۱۸۹۷ طبق رای محکمه لنین بعدت سه سال حبس محکوم گردید و او را بسیری تبعید کردند .

لنین درین سه سال بیشتر از سی مجلد کتاب و رساله تالیف کرد و به جرأید آزاد میخواه نیز با وجود مواظبت شدید زندانبانان مقاله میفرستاد و بالاخره در ۲۹ ژانویه ۱۹۰۰ مدت تبعید او بسر رسید .

در همین اوقات در آلمان بزعامت برنستین جمعیتی از سوسیالیست ها بوجود آمدند و مکتب جدیدی بخلاف مکتب مارکسیزم ایجاد کردند که آنرا " ر و یزیونیسیم " مینامیدند ، و انتقادات آنها مبتنی بر فلسفه بافی بود . لنین که تازه از سیری برگشته بود ، مدت یکسال بمطالعات فلسفی پرداخت تا توانست خود را آماده مبارزه با این دشمن تازه نماید و با ریویزیو-

نیست‌ها مبارزه شدیدی آغاز نهاد و آنان را مغلوب ساخت .

لنین در تبعید گاه‌گاه خود نظر بانکه میدانست حزب اتحادیه منحل و خرد و خمیر شده نظامنامه، ایجاد حزب دیگری که مبارزه، پرولتاریا را دنیا کند نوشت و رساله‌ای بعنوان " طرح برنامه حزب ما " در همان تبعیدگاه تاءلیف کرد و پس از آزاد شدن از تبعید در بلدان روسیه گردش کرده باز عمالی انقلاب و سوسیالیست‌ها ملاقاتها نمود و بنیاد مقاومت و سازمانهای حزبی را نهاد و در ژوئیه ۱۹۰۰ بارویا مسافرت کرد، و این سفر لنین پنجسال طول کشید و بیشتر در شهر مونیخ اقامت داشت و در همانجا روزنامه " جرقه " و مجله " شفق " را انتشار داد و چندین رساله و اثر نفیس نیز تاءلیف نمود .

در مارس ۱۹۰۲ از مونیخ مسافرتی بلند کرد و درین سفر در دو-کنگره سوسیالیستی یکی در ۱۹۰۲ و دیگری در ۱۹۰۳ شرکت جست و غالب مباحثاتی که درین کنگره‌های حزبی بین او و دیگران در گرفت بر سر موضوع تاکتیک سوسیالیزم و مارکسیزم و طریقه عملی شدن انقلاب و تحقق یافتن تئوریهای اجتماعی سوسیالیزم بود .

ی در آنروزگار علاوه بر دسته‌های مخالف سوسیالیزم که از طرف بورژوازی و حکومتها خریداری شده بودند دسته‌هایی هم از خود سوسیالیست‌ها بودند که با مرام مارکسیزم مخالفت میکردند و آنرا مخرب و برباد دهنده، مسلک سوسیالیزم می‌شمردند و گذشته از این مجامع و احزاب در میان خود مارکسیست‌ها نیز گروهی بودند که انقلاب را هنوز نارس و زود پنداشته و مخالف آن بودند خاصه در مملکت روسیه که بحد کافی صنعتی نشده بود ابزار و اسباب کار را برای

انقلاب پرولتاریا موجود نمیدانستند و در کنگره های بین المللی لزوم ایجاد انقلاب را در کشور روس منکر بوده آنرا بی اثر و غیر مفید میخواندند .
 مخصوصاً " اپورتونیست ها درین باب در کنگره ۱۹۰۳ مقاومتی از خود بخرج داده و بالنین که هوادار انقلاب در روسیه بود مخالفت آغاز کردند . ولی لنین توانست با استدلال و قوت منطق خود آنانرا مغلوب سازد و اکثریت را در کنگره ببرد .

از آنروز انقلابیون بدو دسته بلشویک و منشویک یعنی هوا داران اکثریت و اقلیت منقسم گردیدند .

در سال ۱۹۰۵ لنین وارد روسیه شد و در همین سال بود که انقلاب سوسیال دموکراتها و کارگران در روسیه شروع و بفتح دولت و شکست کارگران منجر گردید و بار دیگر لنین با اروپا بازگشت . آشنائی لنین با دوست خود استالین در این سال در فنلاند روی داد و در آنجا با هم ملاقات کردند .
 لنین در آوریل ۱۹۰۷ در پنجمین کنگره سوسیال دموکراتها که در لندن تشکیل شد شرکت کرد و بار دیگر بر مخالفان خود فایق آمده و غلبه بلشویکها بر منشویکها محقق گردید .

لنین در اواخر ۱۹۱۱ روزنامه " ستاره " و مجله " افکار " را انتشار داد و در نواحی پاریس کلاسی برای تعلیم اصول بلشویکی دایر ساخت و اصول سوسیالیزم در آنجا تدریس و سخنرانی می شد .
 در ۱۹۱۲ استالین از تبعیدگاه خود آزاد شده بود و از روسیه بخاک اتریش رفته و روزنامه " پراودا = راستی " را دایر ساخته و لنین نیز از

پاریس با تریش رفته در شهر کراکوی با توافق استالین و سایر رفقا بنویسندگی و نشر افکار خود مشغول گردید و پس از آغاز جنگ عمومی ۱۹۱۴ ناچار برای اینکه بتوانند با روسیه و کارگران آنجا ارتباط داشته باشند لنین اتریش را ترک گفته بسویس که دولتی بیطرف بود رهسپار شد و با نهایت سختی و صعوبت زندگی میگردولی از نشر آثار و افکار خود و رسانیدن آنها بکارگران خودداری نداشت و بالاخره در بحبوحه جنگ عمومی توانست از سویس بروسیه برگردد و این هنگامی بود که علایم انقلاب در روسیه ظاهر شده و مقالات آتشین لنین در اعماق روح دهاقین و کارگران و سربازان روس تاءثیر بسزائی بخشیده بود.

لنین در سوم آوریل ۱۹۱۷ از طریق بالتیک وارد روسیه شده بتهیه انقلاب مشغول گردید و در همین وقت بود که دولت تزار بر اثر بروز حوادث و عدم رضایت عمومی خاصه حوادث سرحدی و نمایشهای انقلابی پایتخت متزلزل شده سقوط کرد و زعمای سرمایه دار و رجال دولت دست بدامان منشویکها و سوسیال رولو سیونرها و لیدر آنها " کرنسکی " زده حکومت را تحت اختیار آنها گذاشتند و کرنسکی مبارزه برضد بلشویکها و لنین را جدا آغاز کرده فرمان توقیف لنین را صادر کرد و جایزه گزافی برای سرلنین معین نمود.

لنین که با بزرگترین مخاطرات برابر گردیده بود بهمت استالین و رفقای کارگر خود توانست وارد پترو گراد شده انقلاب را شروع کند و در جلسه ۱۰ اکتبر ۱۹۱۷ کمیته مرکزی حزب بلشویک را قانع کرد که تاکتیک انقلابی

اورا بپذیریند . لنین که جدا " ما مورین دولت کرنسکی در طلب او بودند
باکمال مهارت و نهایت تحفظ خود را پائیده عملیات کمیته و صفوف انقلابی
را از نهانخانه خود اداره میکرد - در عصر روز ۲۱ اکتبر مقاله هیجان آمیزی
پیام بعلت روسیه انتشار داد و در ۲۴ اکتبر با اعضای کمیته مرکزی چنین
نوشت :

" بهر قیمتی که هست باید امروز عصر یا امشب حکومت سقوط کرده
افراد آن توقیف شوند و گارد دانشجویان دانشکده افسری پراق چین گردند
و اگر مقاومت کنند باید مغلوب و نابود شوند . . . دیگر نمی توان صبر کرد
و انتظار کشید زیرا ممکن است همه چیز را از کف بدهیم .

بهر قیمتی که هست باید امروز عصر یا امشب عمل خاتمه یابد تساریخ
با انقلابیون اجازه نماند خیر نمی دهد زیرا آنها میتوانند امروز غالب شوند (و محققا "
غالب خواهند شد) در صورتی که اگر تا فردا بمسامحه بگذرد امکان هر مخاطره ای
حتی از دست رفتن همه چیز هست . . . اینک حکومت دچار تزلزل است ،
باید بهر قیمتی که شده آخرین ضربت را بدو وارد کرد نماند خیر و سستی در اقدام
برابر مرک حتمی است " .

صبح روز ۲۵ اکتبر انقلاب کبیر لنین و نهضت رنجبران شروع و کارگران
مسلح از داخل و دسته ملوانان از رود نوا عمارت زمستانی تزار را که اینک
" کرنسکی " ویاوران وی در آن حکومت میکردند ، در معرض حمله دلیرانه
قرار داده و پاسی از شب نگذشته بود که هیئت دولت توقیف شد و صبح روز
۲۶ اکتبر (روز بعد) کمیته مرکزی بلشویکها پیروزی انقلاب پرولتاریا را

اعلام نمود .

* * *

دولت روسیه یکدولت زراعتی بزرگی بود که از حیث عمل زراعتی نیز با ابزار قدیمی و اصول کهنه و رژیم فاسد امپراطوری در دست عسدهای از اشراف و تاجر نالایق اداره میشد و بازاری روسیعی از برای صنایع دولت های دیگر باز کرده بود و با کهنه ترین ابزار اجتماعی بر میلیونها بشر بیگناه ازرنجبر و دهقان ستم میکرد و روز بروز در عرصه سیاست جهسان عقب میرفت و امروز بعد از بیست و هشت سال که از انقلاب کبیر اکتبر میگردد دولتی است صنعتی که غالب ما یحتاج خود را از صنایع و کشاورزی و محصول خام و پخته در خود آن کشور بعمل آورده براه انداخته بازار های بزرگی را نیز در دنیا میتواند اداره کند و میلیونها مردم را از جنس و نژاد مختلف که تا دیروز در شرف انقراض بودند تربیت نموده بکار و هنر و علم و صنعت و شغل و پیشه و ادار سازد این هنرنمایی ، بلکه معجزه سیاسی و اجتماعی نتیجه لیاقت مردان از جان گذشته و متفکرین عالی مقام است که لنین رهبر بزرگ و استالین یار با وفا و هم دست صمیمی او در راه آنها قرار داشتند .

سوسیالیزم با تمام زحمات و مشقاتی که دانا یان و فلاسفه علم الاجتماع و رهبران فداکار بشر در ادوار طولانی تحمل کرده و با همه قربانیهای که رنجبران و زحمت کشان در نقاط مختلف عالم برای مبارزه با تعدیات بورژواها تقدیم نموده بودند معذک قبل از انقلاب اکتبر جز یک تئوری علمی چیز دیگر نبود .

پیشرفت و نمو و پیروزی سوسیالیسم یعنی عملی شدن تئوری جنگی رنجبران که بنا بگفته لنین " بدون آن ممکن نبود نهضت انقلابی صورت پذیر گردد " با نام لنین و استالین که تعقیب کننده کاروبزرگترین همراه وی بود وابسته است .

بزرگترین دلیل دشمنان " مارکسیزم " در مخالفت با این مسلک قبل از انقلاب و حتی بعد از آن جز این نبود که مرام مذکور با عمل متوافق نبوده و اگر بنا باشد جامعه فعلیت بیوشد چون با طبیعت سازگار نیست خود بخود از میان خواهد رفت و هیچ وقت این تئوریهها تحقق پیدا نخواهد کرد و این مرام و مسلک با زندگی و اداره و حرکت اجتماع مطابقت نخواهد داشت .

ولی طرحی که لنین ریخت و استالین و یاران وی آنرا بجامه بردند مدلل داشت که تئوری انقلابی مارکسیزم و لنینیسم میتواند با زندگی توده های بشری مطابقت کرده و یک قوه مفید و حقیقی باشد .

آری نیروی انقلابی مزبور در مطابقت با زندگی و بلکه خود حقیقت زندگی است .

لنین که استاد بزرگ علم مارکسیستی شمرده می شود تجدد عظیمی را در تئوری انقلابی باعث گشت . او تعلیمات " کارل ماکس " را درباره انقلاب رنجبری و دیکتاتوری کارگران و دموکراسی بطور اعم و بالخصوص درباره تشکیلات دولت سوسیالیستی توسعه و ترقی داد و آنرا در کوتاه ترین زمانی وارد مرحله تکامل و حرکت طبیعی و سریعی گردانید .

تئوری بزرگ لنین درباره انقلاب سوسیالیستی که بعدها از طرف

" استالین " بسط و توسعه و مروت یافت ، دورنمای مارزات آئینده را با یک نوع غیب گوئی در پیروزی سوسیالیزم بروشنی تمام نمودار ساخت و ملل شوروی را با ایمان به پیشرفت و پیروزی مجهز نمود و همین مردم پراکنده دل و نا امید بودند که بر طبق طرح لنین در سایه رهبری استالین جامعه بزرگ سوسیالیستی را در مملکت شوروی بنا کردند .

بالجمله دولت شوروی که غالب مدعیان تفکراینطور پیش خود حساب میکردند که خودش در آتش خود خاموش خواهد شد ، سال بسال نمو کرده مانند درختی که در بهترین خاک مناسب غرس گردد ، بالید و استوار گشت و در اندک زمانی بیک دولت و کشور عظیم سوسیالیستی که تکیه گاه و مدافع و مایه امید ملل اتحاد جماهیر شوروی باشد تبدیل گشت و اینک در سایه این نظم و تعالیم است که مردم شوروی بشکست ناپذیری دولت کارگران و دهقانان ایمان آورده اند .

دلیل بزرگ استحکام و مایه داری این نظم و تعلیمات بالاتر از مقاومت و انتظام و حسن انضباط و پافشاری فرد فرد این مردم در جنگ جهانی و اعتماد ب پیروزی نهائی و منتهای شجاعت و وفاداری در میدانهای جنگ چه میتواند باشد ؟

* * *

لنینیسم بما تعلیم میدهد که مسئله اساسی پاکرفتن و پیشرفت انقلاب همانا موضوع قدرت دولت می باشد . آری مهم ترین وقایع ترین هدف انقلاب این است که قدرت دولت را جماعت در دست گرفته تمام فعالیت

این دستگاه نیرومند را متوجه حل مسائل اجتماعی و سیاسی بنماید. بطوریکه منافع طبقه زحمت کش که بنیاد جامعه و حکومت است محفوظ و ملحوظ گردد. لنین شکل و طرز حکومت شوروی را که نوع جدیدی از تشکیلات دولتی و تیپ تازه ای از حکومتها می باشد و برای تشکل و تحقق جامعه سیاسی و اجتماعی زحمت کشان و آسایش و آزادی ایشان ضروریست کشف کرد و از این راه بر ثروت - تعلیمات مارکس افزود و با جمله این صنف و تیپ جدید از تشکیلات دولتی را که ما حکومت اتحاد جماهیر شوروی می نامیم جریان ترقی (تکامل تاریخی به وجود آورد.

لنین در سال ۱۹۱۸ چنین گفت :

" شوراها مخلوق قوه متصوره حزب معینی نبوده و نیست " و از این باز جای دیگر لنین کنگره کارگران را آهن را مخاطب ساخته چنین گفت : " شما بخوبی میدانید که هیچ حزبی قادر نبود آنها را (شوراها را) اختراع کند ، بلکه انقلاب سال ۱۹۰۵ آنها را بوجود آورد . و انقلاب سال ۱۹۱۷ نه تنها شوراها را بوجود آورد ، بلکه تمام کشور را با شبکه ای از تشکیلات سازمانهای شوروی پوشانید - و این شوراها بتمام کارگران و سربازان و دهقانان آموخت که چگونه آنها میتوانند تمام قدرت را بدست گیرند و دولتی تشکیل دهند و باید هم اینکار را بکنند . . .

* * *

لنین اشاره بطرز حکومت کرنسکی و تغییرات پی در پی وزراء و اصول عوام فریبی و مواعید میان تهی کرده می گوید : " ملت اکنون حکومت

سوسیالیستی شوراهارا جمهوری بورژوازی قیاس نمود و تجربه دانست که اصلاح اصول ادارات امپریالیزم و بورژوازی قدیم بدرد نمیخورد و فقط شوراها میتوانند برای منافع طبقه زحمت کش وتوده واقعی ملت مفید واقع شوند - زیرا در این طرزتشکیلات مردم عموماً "آزادانه نمایندگان خود را بشوراها میفرستند و اگر از آنها کاری صورت نیست آنها را عزل میکنند، اینرا کارگران و سربازان و دهقانان و زحمت کشان ما بر اثر تبلیغات درک نکردند بلکه در نتیجه تجارب خویش آموختند . . ."

بازلنن در سال ۱۹۱۹ گفته است

" هرگونه محدودیتی را باید از قانون انتخابات عمومی برداشت"
لنین بزرگ در این سخنان خود فی الواقع جوهر و اصل دولت دموکراسی شوروی و خصایص اساسی تیپ جدید دولت را که بگویم آن زحمت کشان خواهند توانست با فعالیت و نظم در بنای جامعه تازه شرکت جویند شرح میدهد .

چنانکه جای دیگری گوید :

" یکی از خصایص بارز و مهم حکومت شوروی این است که حکومت مزبور و اسلوب کار آن موضوع پیداشدن و تربیت یافتن رهبران و اداره کنندگان جدیدی را از میان صفوف خلق وتوده مردم تاءمین و محقق میسازد .

و باز در همین باب میفرماید :

" اگر حکومت شوروی و دستگاه تصفیه کننده آن که افراد مستعد فداکار را خود بخود پیش میآندازد، وجود نمیداشت در باره احسرای این

مهم (یعنی پیشرفت حکومت شوروی) حتی اندیشه هم نمیشد کرد " هنوز در نتیجه تبلیغات مضر مرتجعین صحبت از خشونت و

بیرحمی ادوار انقلاب و متشکل شدن حکومت شوروی بگوش میخورد . " ولی باید دانست که ایجاد دولتی تازه و توسعه آن بطوریکه اصول دموکراسی کاملاً پیشرفت کند و حقوق و وظائف میلیونها مردم توسعه یابد بالطبع بدون مبارزه بیرحمانه و سخت صورت پذیر نیست . لنینیزم بما تعلیم میدهد که هیچیک از مسائلی که بمنافع طبقاتی مربوط باشد در تاریخ جهان جز با اعمال زور و جز بوسیله جبر و عنف حل نگشته است .

برای درهم شکستن مقاومتی که از طرف نیروهای پوسیده فاسد و فاسد کننده در یک جامعه کهنه و خراب بظهور میرسد بالطبع اعمال زور از طرف کارگران و دهقانانی که به بنای دولت جدیدی دست زده بودند تنها وسیله و یگانه علاج بود .

بعقیده لنین " دولت شوروی وسیع ترین و کامل ترین شکل دموکراسی می باشد و در عین حال عبارتسن از دیکتاتوری طبقه کارگر که در سایه آن - دموکراسی مزبور تاءمین میگردد . . .

دشمنان حکومت شوروی دیکتاتوری رنجبران را بصورت اعمال مطلق زور و دوره خودسری و بیقانونی جلوه میدهند . تکذیب این تهمتهای دشمنان دولت شوروی ضرورتی ندارد زیرا در کشور شورباهاست که قانون و عدالت و تساوی سیاسی و نظم و دیسیپلین استوار و احترام متقابل افراد نسبت بیکدیگر و همکاری برادرانه در سایه کار در زمان صلح و جنگ در زندگی روزمره صلحجویانه

و در ضمن فداکاریهای بزرگ عرصه کارزار وجود دارد . . . " و اینها اصول بزرگ ایده اولوژی لنین و استالین که بر تساوی تمام نژادها و ملل و دوستی اقوام مبتنی است پایه و اساس سیاست لنین و استالین را تشکیل داده ، ترقی عظیم فرهنگی ملت‌های جماهیر شوروی را تأمین نمود . این ملل را دولت شوروی در امر بزرگ بنای جامعه نو سوسیالیستی شریک ساخت همین اصول بنیاد و پایه سازمان های اتحاد شوروی و فدراسیون سوسیالیستی شوروی بوده است .

لنین در سال ۱۹۱۸ چنین گفت :
 " ما برخلاف قانون جابرانه روم قدیم حاکمیت خود را بوسیله ایجاد تفرقه تأمین نمی‌کنیم بلکه تمام زحمت‌کشان را با علایق نگسستی منافع حیاتی و فکر طبقاتی بهم بسته و متحد می‌سازیم "
 و باز جای دیگر گوید :

" فدراسیون ، یا دولت ائتلافی مرکب از اقوام مختلف (که جمهوری جوان شوروی در صدد آن بود) بر اساس داوطلبی مبتنی خواهد بود و برای ایجاد اتحاد و ائتلاف مزبور دروغ و آهن بکار نخواهد رفت ، چنین ائتلافی که بر رغبت و میل باشد انهدام ناپذیر بوده ، بهترین ضامن آن قوانینی است که مادرشرف ایجاد آن هستیم ، عین این معنی بهد هادر قانون اساسی پیشنهادی و اصلاحی استالین گنجانیده شد .

همین اصول مساوات و وحدت و داشتن منافع یکسان و مشترک اقوام و نژادهاست که دولت شوروی راهمگی از خود میدانند و بایک هدف و یک

فکر در سالهای جنگ وطنی وفاداری و محبت خویش را بعد از میهن نشان دادند .

اکنون در اعماق این اقیانوس نژادها و ملل چشمه‌های زاینده از ایجاد و ابداع و قهرمانی و نشاط و فعالیت بحد و فور وجود دارد . این چشمه ها عبارتست از دوستی اقوام و وحدت اخلاقی و سیاسی و صفات عالی و وفاداری و ایمان بمیهن سوسیالیستی - نیروی افکار و عقیده مارکسیزم که مردم شوروی را در مبارزه مهم ساخت . تشکیلات جامعه که روز بروز بهتر و مأمورتر و استوارتر میگردد و عشق بکار و پیشرفت و ترقی اینهاست سرچشمه حزب بزرگ حزب لنین و استالین که میلیونها افراد توده خلق را با روح کار و دیسیپلین و فداکاری و اشتراک منافع افراد جامعه تربیت کرد و مردانی جنگی را در طی مبارزه با دشمنان قوی و بیشمار همچون فولاد آبدیده ساخت و به پیروزیهای بیشمار کامیاب کرد و همین است علت العلیل انرژی بی پایان و نظم استواری که عقب ماندگی کشور روسیه را رفع کرده در مدت کوتاهی با اجرای نقشه‌های پنجساله استالین تسامخ و تغلل صدها سال را جبران نمود .

* * *

بالاخره باید بدانیم که نقشه اصلاحات اقتصادی فنی لنین بود که با شرکتهای تعاونی زراعتی ، خانوارهای منفرد و جبران را گرد هم آورده وارد طریق زراعتی بزرگ سوسیالیستی نمود و همچنین شالده‌های فنی مترقی لنین بود که با ایجاد صناعات بزرگ و نقشه پر عظمت صنعتی کردن کشور منجر گردید .

استالین ببرکت نقشه‌های لنین و در سایه لیاقت و پشتکار خود نظم
متفن ملی قیافه‌کشور شوروی را تغییر داده آنرا بیک دولت معظم و مملکت
صنعتی و کالخوزی بزرگی مبدل ساخت .

استالین در سال ۱۹۲۹ یعنی شانزده سال قبل (همان وقتی که
ارتجاع خوشدل بود که قلدرهائی را در اکناف جهان به خفه کردن مردم
بیگناه برانگیخته و در اطراف مملکت شوروی سده‌هائی از خاموشی و مرگ
و جاسوسی و حکومت پلیس و قلدری رسیده است) چنین نوشت :

" ما با سرعت تمام بسوی صنعتی شدن کشور و سوسیالیسم میرویم
و عقب ماندگی دیرین روسی را که در ایام گذشته و ردزبانها بود و در قفا گذاشته‌ایم
- ما بکشوری فلزی ، کشوری که در آن اتومبیل و تراکتور تعمیم پیدا کرده باشد
مبدل می‌شویم ، وقتی که ما اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را سوار اتومبیل
کردیم و موژیک روسی را پشت تراکتور نشانندیم ، بگذار سرمایه‌داران محترمی
که اینهمه به " تمدن " خود میبالند برای رسیدن بما کوشش بیهوده کنند ،
آنوقت خواهیم دید که کدام کشور عقب مانده است ، و عاقبت دیدیم
که کشور شوروی کشور فلز و صنعت و اتومبیل و تراکتور شد و بدین سبب بردشمن
عالم بشریت پیروز گردید و سیستم اقتصادی ملی شوروی مزایای خویش را در
طی جنگ بزرگ میهنی بطرز مشعش مشهود ساخت و عاقبت استالین گفت :

" معلوم شد که اساس اقتصادی دولت شوروی از اقتصاد دولتها ی

دشمن بمراتب محک‌تر می‌باشد "

قیمت ۲۰ ریال

دیجیتال کننده کتاب : نینا پویان